

درسنامه

جغرافیا (۲) - امیرحسین کاروین

درس ۱۰

سه رکن بنیادی یک کشور : سرزمین و جمعیت ملت و نظام سیاسی (حکومت)

مرز عامل تقسیم و جدایی بین سرزمین‌هاست.

انواع مرز :

۱- مرزهای طبیعی :

الف) خط‌الراس کوه‌ها : متصل کردن بلندترین نقاط کوهستان به یکدیگر

ب) خط منصف : خطی که از وسط رودخانه می‌گذرد و آن را دقیقاً به دو بخش تقسیم می‌کند.

ج) تالوگ : عمیق‌ترین نقاط بستر رود را به هم متصل می‌کند به طوری که هر دو طرف مرز توان کشتیرانی در آن را داشته باشند.

د) مرزکشی در دریاها که در صفحه ۱۳۱ کتاب به آن اشاره شده است را حتما خودتان با کمک تصاویر یاد بگیرید.

۲- مرزهای غیرطبیعی (مصنوعی) :

الف) پیشتاز : در قدیم که خالی از سکنه بوده‌اند ترسیم شده‌اند و بعدها مردم در دو طرف مرز ساکن شدند مثل کانادا و آلاسکا

ب) تطبیقی : مرزهایی که با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی ترسیم میشوند مثل پاکستان و هند

ج) تحمیلی : مرزهایی که شرایط فرهنگی در آن رعایت نشده و افراد یک ملت یا قوم از هم جدا افتاده‌اند مثل کره جنوبی و شمالی

د) هوایی : دور تا دور هر کشور دیواری فرضی به سمت جو وجود دارد به طوری که هواپیماها برای ورود به حریم هوایی آن‌ها نیاز به مجوز دارند.

ایران ۸۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک با ۱۵ همسایه خود دارد.

پایتخت، مرکز اقتدار سیاسی یک کشور است و مراکز مهم صنعتی، سیاسی، تجاری در آن متمرکز شده است. پایتخت‌ها همچنین با مشکلاتی چون رشد جمعیت، ترافیک، آلودگی هوا و کمبود مسکن و خدمات درگیرند.

عوامل موثر در انتخاب یک مکان به عنوان پایتخت :

- قابلیت‌های محیطی مناسب - جمعیت قابل توجه

- در تقاطع راه‌های ارتباطی قرار داشتن - قابلیت دفاعی مناسب

ملت، عنصر بنیادین یک کشور است.

در الگوی نظام سیاسی تک ساخت قدرت در حکومت مرکزی متمرکز شده و همه چیز از جمله آموزش و پرورش و قانون‌گذاری، واحد و متمرکز است. فرانسه از پیشگامان این شیوه حکومتی است.

در الگوی فدرال، قدرت به طور غیرمتمرکز در نهادهای زیردست پخش شده است و هر کدام قوانین و مجالس تصمیم‌گیری مستقل از دولت مرکزی را دارند. آمریکا مثالی برای این نظام است.

در کشورهایی مثل عراق و آذربایجان و انگلستان بخش اعظم کشور به صورت تک‌ساخت است و فقط یک یا چند بخش کوچک به صورت خودمختار اداره می‌شوند.

لوازم بقا و پایداری یک کشور: هویت ملی، همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی

درس ۱۱

ژئوپلیتیک روابط متقابل جغرافیا و سیاست با قدرت را بررسی می‌کند زیرا جوهره ژئوپلیتیک قدرت است.

قدرت یعنی داشتن توانایی برای اعمال نفوذ بر دیگران و مجبور کردن آنها به فرمانبرداری

سیاست عبارت است از علم اداره یک کشور یا حکومت‌داری

راتزل پدر علم جغرافیای سیاسی نظریه فضای حیاتی را مطرح کرد به این معنا که اگر کشورهای کوچک در پی توسعه سرزمین‌های خود برنیایند نابودی آنها حتمی است.

مکیندر به قدرت خشکی توجه کرد و تسلط بر منطقه‌ای به نام هارتلند را به معنای تامین قدرت لازم برای تسلط بر کل جهان می‌دانست.

آلفرد ماهان به قدرت دریایی توجه کرد و شش عنصر را در این امر موثر دانست:

- موقعیت جغرافیایی
- خط مشی سیاسی حکومت
- وضع طبیعی سواحل
- فرهنگ دریانوردی
- تعداد جمعیت
- گسترش ساحل

عوامل جغرافیایی کوثر در قدرت ملی:

- موقعیت جغرافیایی کشور
- وسعت، شکل و ناهمواری‌های کشور
- بنیادهای زیستی کشور
- منابع انرژی و معدنی کشور
- جمعیت کشور

شکل فشرده، بهترین شکل برای یک کشور است.